سریال «۰۲۱» با وجود استفاده از بازیگران مشهور طنز و ساعت پخش مناسب، در جذب مخاطبان شکست خورد

صفر بدون بیست‌ویک

آش بی‌نمک ۰۲۱ و آشپزهایی که نیاز مخاطب را نمی‌شناسند

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

قسمت پایانی سریال «۰۲۱» شب گذشته از شبکه سه سیما پخش شد؛ سریالی به کارگردانی مشترک جوادرضویان و سیامک انصاری که قرار بود رضویان و انصاری نتوانسته توفیقی در جذب طیف مخاطبان طنز مانند مهران مدیری و رضا عطاران، مهران غفوریان و سعید آقاخانی هم از بازیگری باشد. پایبند نبودن کامل به فیلمنامه و نقش برتر ک بداهه‌پردازی در قسمت‌های مختلف محتوایی به‌دست مخاطب داده که گویی شاهد مجموعه طنز آبتمی با حتی اپیزودیک هستند. استفاده از شوخی‌های سیاسی نخ‌نما شده و بی‌ربط به فضای کلی سریال، بی‌توجهی به ریتم و ضرباهنگ و... از دیگر ایرادهای این سریال است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

رضویان علیه رضویان

همگانی رضویان و انصاری اتفاق تازه‌ای نیست. اولین فیلم سینمایی رضویان با نام «زهر مار» هم با حضور سیامک انصاری ساخته شد و البته که او در گریم و نه در نگاه منتقدان موفق نبود. رضویان اما در سال‌های بعد حرفه‌ای خوبی داشت. بسیاری از بازیگران طنز ماندنه مهران مدیری، رضا عطاران، مهران غفوریان و سعید آقاخانی هم از بازیگری به‌خیله کارگردانی رفتند و به‌شدت هم موفق بودند و حضور رضویان در مسیر کارگردانی بدیع و تازه بود. رضویان با سریال‌های «۱۴۰۴» و «فارگله مسکونی» شروع کرد که مورد توجه قرار گرفت و خصوصا این دومی هنوز هم از سریال‌های موفق نمایش‌خانگی می‌شود. رضویان در این دو کار نشان داد که هم طنز را خوب می‌شناسد و هم آدم‌های درشت و ریز را. «میهمان‌های ویژه» کار دیگری از رضویان بود که در نوروز ۱۴۰۰ از شبکه یک پخش روی آنتن رفت. سریالی که بازی کارا ترکه و خبی از آن به اندازه فیلم سینمایی هم نتوان و پخش شد. شاید بتوان گفت که میهمان‌های ویژه بهترین کار رضویان در حوزه فیلمسازی است. سه «سیما» هم برنامه دیگری بود که توسط رضویان ساخته و از شبکه سه سیما پخش شد.

۰۲۱ اسا درمیان فهرست کوتاه ساخته‌های رضویان اصلا جایگاه بالایی ندارد. نه کارکترها و شوخی‌های جذاب «میهمان‌های ویژه» را دارد و نه فضای صمیمی و قصه سرراست «فارگله مسکونی»، را. رضویان و انصاری در ۱۴۰۴، حتی زحمت تنوع لوکیشن هم به خود نداده‌اند؛ اکسکلوسیو ها در اداره، خانه و سرانجام رستوران گرفته شده است و اتصالا این را نمی‌توان به ویروس کرونا ربط داد. سریال‌هایی در حال حاضر و همچنین در ماه‌های قبل در روزه‌ها و شب‌های ویژه در تهران ساخته شدند و می‌شوند و کمتر کارگردانی به‌خاطر شرایط موجود، تغییراتی در فیلمنامه داده است.

پیشنهاد!

برای اولین بار نیست که بازیگری از حضور در فیلم یا سریالی پشیمان شود. هنوز چندماهی بیشتر از پشیمانی سمید باید به‌خاطر حضورش در سریال «دل» ناگذشته است و این‌بار یک بازیگر قدیمی دیگر از حضورش در یک پروژه اعلام پشیمانی کرد. از همان ابتدا که فهرست بازیگران سریال ۰۲۱ منتشر شد وجود اسم سیاوش طهمورث هم کنجکاوی مخاطب را برمی‌انگیخت و هم منتظر بودند تا ببینند حضور این بازیگر قدیمی تئاتر و تلویزیون در سریال طنز چه خروجی دارد. چندروز پیش اما طهمورث گفت: «زمانی که فیلمنامه آن مجموعه به دستم رسید، کار را پسندیدم، چراکه احساس کردم این سریال با دیگر آثار طنز متفاوت است. اما متأسفانه آنچه ساخته شد، چیزی نبود که در فیلمنامه خوانده بودم و به همین دلیل چندان از حضورم در این سریال راضی نیستم.» شاید یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف ۰۲۱ در همینجا و با توجه به صحبت‌های طهمورث مشخص شود. ظاهرا آنچه ساخته‌شده با آنچه ابتدا در فیلمنامه بوده، تفاوت‌های چشمگیری داشته و همین باعث بروز اختلافات و مسلح پایین کیفیت سریال شده است. البته دخالت کارگردان در فیلمنامه امر تازه‌ای نیست اما این دخالت‌ها و اعمال نظرها معمولا به چیزی شدند و می‌شوند و کمتر کارگردانی به‌خاطر شرایط موجود، تغییراتی در فیلمنامه داده است.

تکیه بیش از حد بر استفاده از شوخی‌های فضای مجازی و حتی شوخی‌های جنسی

آشکارا و نهان هم نتوانست موفقیتی حاصل کند. به دلیل نبود یک الگو و نقشه مشخص برای خنداندن مردم، شاهد حذف و اضافه‌هایی از سوی سازندگان ۰۲۱ برای جلب نظر مردم هم بوده‌ایم که استفاده از پشت‌صحنه، به تقلید از سریال‌های مهران مدیری و تند کردن ریتم سریال حتی به قیمت ناقص کردن موضوع واحد هم قسمت از این دست تغییرات بود. شوخی‌های تکراری و نبود خلاقیت و تکیه بر راه‌های امتحان شده برای خنداندن مردم تمام چیزی بود که از کارگردانی رضویان و انصاری دیدیم. کاش تهیه کننده و سازندگان این سریال که هنگام تجربه‌های موفق قبلی مدام در رسانه‌ها بودند و در هر برنامه و روزنامه‌ای دیده می‌شدند زمان ساخت یا تهیه برنامه‌های ناموفق هم پاسخگوی عملکرد خودشان بودند.

هدی ایزدی، یکی از نویسندگان سریال ۰۲۱

آنچه نوشتیم با آنچه ساخته شد، متفاوت است

سریال ۰۲۱ هم دو کارگردان دارد و هم دو نویسنده و شاید کارکردن در چنین شرایطی برای طرفین سخت باشد. شبنم توفیقی و هدی ایزدی نویسندگان این سریال هستند. هدی ایزدی پیش از این برای «روحمی» هم نوشته و حالا پاسخگوی سوالات ما درباره سریال ۰۲۱ است.

///

ایده سریال ۰۲۱ که قرار بود اسم آن «نیوجرسی» باشد، از کجا آمد؟ چه زمانی نوشته شد و قرار بود چند قسمت باشد؟

ایده کلی و اولیه آن برای اتمام سیامک انصاری بود که چند سال پیش ایشان طرح کرده بودند. قرار بود سریالی ساخته شود که آن منتفی شد. یعنی آقای انصاری قرار بود بسازند که در اواسط راه آن را کنار بگذارند و من و شبنم توفیقی و خانم وثوقی طرح سریال نیوجرسی را پیشنهاد دادند تا گسترش دهیم و باز کنیم و بعد از آن تبدیل به فیلمنامه شود، که شکل گرفت و ساخته شد. از ابتدا قرار بود فصل اول کل ۱۲ قسمت باشد و در اصل اینچنین نبود که صفر تا صد ۹۰-۱۰۰ قسمت جلو برود.

به عبارتی مشروط بود؛ یعنی ابتدا ۲۵ قسمت ساخته شود و واکنش‌ها را ببینند و بعد ادامه را بسازند؟

خیر. از ابتدا همین‌طور که از چیستی پیدا بود که ۹۰ شبی یا ۱۰۰ شبی بهتر است، ولی قرار شد ۱۲، ۹۰-۱۰۰ قسمت باشد هم فیلمنامه‌ای شود و این طور نباشد که پشت هم ساخته شود. همین الان ۲۵ قسمت ساخته شده است.

طرح اولیه شما چه بود؟ داستان اصلی این بود یا متفاوت از این چیزی بود که ساخته شد؟

یک بخشی همین داستان بود. داستان این بود که دو باجناق در شهرداری کار می‌کنند و ماجراهایی که در محل کار خود دارند، خصوصا باتوجه به اینکه قرار بود در بخش ماده ۱۰۰ شهرداری اجرای احکام کار کنند. اینها برای ایده اولیه آقای انصاری بود و قرار بود پرونده‌های شهرداری هم پررنگ باشد. اما بخش خانوادگی که شاهد همسرو بچه‌های کسی بوده‌ایم؛ ارتباط خانواده‌های دوم، تورچ و باباغنوج قصه‌های آنها، حضور سعید و ماجراهایی که با دختر طلاق دارد، اضافه شده است. ایده اولیه همین دو باجناق بودند که از سری آقای انصاری مطرح شد.

یک ویژگی که این بود که هم فیلمنامه کار مشترک دو نفر است و هم کارگردانی برای دو نفر است. این امر در روند کار تاثیرگذار نبود؟

در فیلمنامه‌ها من و خانم وثوقی به اینکه قبل از این کار هم سریال دیگری کار می‌کردیم، به یک نگاه مشترک رسیده بودیم. در حوزه نوشتن ما دو نفر به مشکلی برنخوردیم و اذیت نشدیم.

درمورد کارگردان‌ها دو نفر بودند، دو کارگردان و یک تهیه کننده داشتیم که خود در حوزه فیلمنامه صاحب‌نظر بودند و مشاور خیلی از کارها هستند و خودشان هم در تلویزیون قبلا مدیر بودند و در زمان ایشان آثار خوبی ساخته شده است. طبیعتا نزدیک شدن این پنج نگاه به هم کار سختی بود. به هرحال پنج نگاه مختلف، دو کارگردان و دو نویسنده و یک تهیه کننده وجود داشت و دایره پنج‌نفره کار سختی می‌شد، ولی عموما به مشکل ویژه‌ای در زمان نگارش فیلمنامه برنخوردنکردیم.

درخصوص تقسیم کار بابد‌بدان که ژانر فصل‌ها شوخی و یک‌پایان داشت. هر قسمت همین طور بود. در بخش به‌دلیل محدودیت‌های زمانی، اتفاق نیفتاد. تصمیم‌گیری شروع، میانه و پایان داشته است. به غیر از یکی دو خط اصلی داستان که روال آن اداره داشت، کار قسمت‌بندی بود. اتفاقی که افتاده این است که پایان هر قسمت یعدی شروع می‌شود. این هم به خاطر تایم‌پخش بود که به کارضربه زده است. تصمیم کار مابه این شکل بود که ابتدا یک قصه تولیدی داشتیم و مجموعه‌ای از داستان‌های کوچک بود که باهم بررسی می‌کردیم و روی آن نظر می‌دادیم و با هم سیناپس درمی‌آوردیم. درنهایت قرعه کشی می‌کردیم که هرکدام هم قسمتی را کامل بنویسند و هرکدام هم دیالوگ‌نویسی می‌کردیم و دراصل همه قسمت‌ها و همه بخش‌ها را باهم نوشتیم. فقط در بخش دیالوگ‌نویسی این طور بود که یک‌جی درمیان نوشته‌ایم یا بیستگی به این داشت که قرعه چطور به نام ما می‌افتاد.

یک نکته پررنگ در قسمت‌های مختلف سریال، استفاده از شوخی‌های فضای مجازی است. شوخی‌های توئیتر، اینستاگرام و غیره تبدیل به دیالوگ شده است. بارخورد فضای مجازی را در دیالوگ‌ها می‌بینیم و بعضا شوخی‌های سیاسی که قبلا در سریال‌های دیگر استفاده شده است. اندازه و معیار این شوخی‌ها چقدر است و چه کارکردی دارند؟

از آنجاکه اینها آورده خود بازیگران و صلاحدید کارگردان بوده است...

یعنی در فیلمنامه نبوده است؟

خیر. اینها را خودمان اضافه کردند و درنتیجه نمی‌توانم خیلی در این مورد نظر بدهم، چون به هرحال این انتخاب و صلاحدید کارگردان بود که در اجرا این فضا را بسازد یا چنین دیالوگی را اضافه کند. من در این زمینه نمی‌توانم خیلی نظر بدهم، چون انتخاب دوستان کارگردان بوده است.

اصلاح‌طلبی‌های مجازی را در فیلمنامه نداشتید؟

اگر بخواهم کلی بیان کنم، شوخی با فضای مجازی و آنچه از زبان ارسلان مطرح می‌شود نبوده است، چون به هرحال در فیلمنامه نداشتیم و موجه‌سازی‌های داستانی که چگونه بوجود آمده‌اند و اصلا حاتمی می‌کردیم و روی آن نظر می‌دادیم و با هم سیناپس درمی‌آوردیم. درنهایت قرعه کشی می‌کردیم که هرکدام هم قسمتی را کامل بنویسند و هرکدام هم دیالوگ‌نویسی می‌کردیم و دراصل همه قسمت‌ها و همه بخش‌ها را باهم نوشتیم. فقط در بخش دیالوگ‌نویسی این طور بود که یک‌جی درمیان نوشته‌ایم یا بستگی به این داشت که قرعه چطور به نام ما می‌افتاد.

لهجه آقای رضویان در فیلمنامه بود یا به انتخاب کارگردان بود؟

این هم در فیلمنامه نبوده است.

این لهجه کجایی بود؟ ضرورت لهجه چه بوده است؟

اینکه لهجه برای کجاست را نمی‌دانم. اما خود آقای رضویان باتوجه به اینکه اصولا به لهجه‌های مختلف-چون خود علاقه ایشان است- دقت می‌کنند، من فکر می‌کنم لهجه ترکیبی است که خودشان ساخته‌اند. اینکه برای کجاست را نمی‌دانم.

مجازی را در دیالوگ‌ها می‌بینیم و بعضا شوخی‌های سیاسی که قبلا در سریال‌های دیگر استفاده شده است. اندازه و معیار این شوخی‌ها چقدر است و چه کارکردی دارند؟

از آنجاکه اینها آورده خود بازیگران و صلاحدید کارگردان بوده است...

یعنی در فیلمنامه نبوده است؟

خیر. اینها را خودمان اضافه کردند و درنتیجه نمی‌توانم خیلی در این مورد نظر بدهم، چون به هرحال این انتخاب و صلاحدید کارگردان بود که در اجرا این فضا را بسازد یا چنین دیالوگی را اضافه کند. من در این زمینه نمی‌توانم خیلی نظر بدهم، چون انتخاب دوستان کارگردان بوده است.

اصلاح‌طلبی‌های مجازی را در فیلمنامه نداشتید؟

اگر بخواهم کلی بیان کنم، شوخی با فضای مجازی و آنچه از زبان ارسلان مطرح می‌شود نبوده است، چون به هرحال در فیلمنامه نداشتیم و موجه‌سازی‌های داستانی که چگونه بوجود آمده‌اند و اصلا حاتمی می‌کردیم و روی آن نظر می‌دادیم و با هم سیناپس درمی‌آوردیم. درنهایت قرعه کشی می‌کردیم که هرکدام هم قسمتی را کامل بنویسند و هرکدام هم دیالوگ‌نویسی می‌کردیم و دراصل همه قسمت‌ها و همه بخش‌ها را باهم نوشتیم. فقط در بخش دیالوگ‌نویسی این طور بود که یک‌جی درمیان نوشته‌ایم یا بستگی به این داشت که قرعه چطور به نام ما می‌افتاد.

لهجه آقای رضویان در فیلمنامه نبود یا به انتخاب کارگردان بود؟

این هم در فیلمنامه نبوده است.

این لهجه کجایی بود؟ ضرورت لهجه چه بوده است؟

اینکه لهجه برای کجاست را نمی‌دانم. اما خود آقای رضویان باتوجه به اینکه اصولا به لهجه‌های مختلف-چون خود علاقه ایشان است- دقت می‌کنند، من فکر می‌کنم لهجه ترکیبی است که خودشان ساخته‌اند. اینکه برای کجاست را نمی‌دانم.

مجازی را در دیالوگ‌ها می‌بینیم و بعضا شوخی‌های سیاسی که قبلا در سریال‌های دیگر استفاده شده است. اندازه و معیار این شوخی‌ها چقدر است و چه کارکردی دارند؟

از آنجاکه اینها آورده خود بازیگران و صلاحدید کارگردان بوده است...

یعنی در فیلمنامه نبوده است؟

خیر. اینها را خودمان اضافه کردند و درنتیجه نمی‌توانم خیلی در این مورد نظر بدهم، چون به هرحال این انتخاب و صلاحدید کارگردان بود که در اجرا این فضا را بسازد یا چنین دیالوگی را اضافه کند. من در این زمینه نمی‌توانم خیلی نظر بدهم، چون انتخاب دوستان کارگردان بوده است.

اصلاح‌طلبی‌های مجازی را در فیلمنامه نداشتید؟

اگر بخواهم کلی بیان کنم، شوخی با فضای مجازی و آنچه از زبان ارسلان مطرح می‌شود نبوده است، چون به هرحال در فیلمنامه نداشتیم و موجه‌سازی‌های داستانی که چگونه بوجود آمده‌اند و اصلا حاتمی می‌کردیم و روی آن نظر می‌دادیم و با هم سیناپس درمی‌آوردیم. درنهایت قرعه کشی می‌کردیم که هرکدام هم قسمتی را کامل بنویسند و هرکدام هم دیالوگ‌نویسی می‌کردیم و دراصل همه قسمت‌ها و همه بخش‌ها را باهم نوشتیم. فقط در بخش دیالوگ‌نویسی این طور بود که یک‌جی درمیان نوشته‌ایم یا بستگی به این داشت که قرعه چطور به نام ما می‌افتاد.

لهجه آقای رضویان در فیلمنامه نبود و به انتخاب کارگردان بود؟

این هم در فیلمنامه نبوده است.

این لهجه کجایی بود؟ ضرورت لهجه چه بوده است؟

اینکه لهجه برای کجاست را نمی‌دانم. اما خود آقای رضویان باتوجه به اینکه اصولا به لهجه‌های مختلف-چون خود علاقه ایشان است- دقت می‌کنند، من فکر می‌کنم لهجه ترکیبی است که خودشان ساخته‌اند. اینکه برای کجاست را نمی‌دانم.

این لهجه در فیلمنامه نبوده است. این کارکتر در فیلمنامه بدون لهجه نوشته شده است و من دلیل آقای رضویان به‌عنوان بازیگر کار بوده است. ما در فیلمنامه هم لهجه و هم جنس برخی از گفت‌وگوهای جلال را نداشتیم.

درکنار ضعف‌های متعدد سریال اما یک نکته مثبت دارد که نریشن آخر سریال است. یک‌سری نکات جدی بیان می‌شود که کنار فضای طنز سریال موثر بود. مخصوصا وقتی از زبان بچه گفته می‌شود. اینها جزو فیلمنامه بود به‌واسطه؟

بله، این فیلمنامه یک سال قبل از شروع فیلمبرداری تمام شده بود. فیلمنامه هم از ابتدا نریشن را طراحی کرده بودیم. فرق آن با این چیزی که پخش شد این بود که نریشن هار هر قسمت متناسب با اینکه در آن قسمت کدام‌یک از کارکترها نقش پررنگ‌تری دارند، با پیش بردن یک قصه یا متوقف کردن ماجرایی در آن قسمت تاثیرگذارتر بود و همان شخصیت نریشن آن قسمت را می‌خواند. حتی مشخص کرده بودیم نریشن هر قسمت متلاصدای شادی، مازیار یا غیره شاد است.

در یکی از این قسمت‌ها صدای سروش بود که باتوجه به اینکه بچه سیاوش بود نداشت، ولی این راد استودیو خواندند.

به او گفته می‌شد و او هم بیان کرد؟

حفظ می‌کرد. برای او می‌خواندند و حفظ می‌کرد. چون یکی دو ماه است که کلاس اپرا و فرقه و حروف بالا می‌رود. کنار فیلمبرداری برای کارا کتر داستان متن را می‌خواندند، چون او سواد نداشت. این نریشن‌ها را به حدی خوب حفظ کرده که تصمیم بر این شد همه نریشن‌ها را ما برعهده او بگذاریم و او همه نریشن‌ها را خواند. نکته دوم درمورد نریشن‌ها این است که باتوجه به اینکه پایان قسمت‌ها اصل جلوفته است، مثلا قسمت یک در فیلمنامه، هنگام پخش، او اسطاد قسمت ۲ تمام می‌شود، یعنی خیلی مواقع بسیاری از تعلیق‌ها این طور بوده خورده و از حالت قسمت‌بندی درآمده است. درنتیجه برخی از نریشن‌ها مرتبط به آن قسمت نیست.

مشخص است همه نریشن‌ها به‌هم مرتبط نیست.

در برخی قسمت‌ها این اتفاق افتاده است که به‌خاطر همین مشکلی است که در پخش ایجاد شد. آنجایی که باید، سریال در هر قسمت تمام نمی‌شود و وسط قسمت بعد تمام می‌شود و دوباره همان قسمت بعدی هم شروع می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

آقای تلویزیون! یادت نرود چه طنزهایی ساختی

در روزگاری بعید می‌بریم که بیش از هر زمان دیگری نیازمند مجموعه‌های طنز در رسانه ملی هستیم و متاسفانه بیش از هر زمان دیگری کسب‌این سازمان خالی از سریال‌های موفق طنز است. در دهه‌های گذشته بعطور خاص دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شاهد بروز و ظهور مجموعه‌های متعدد و موفق طنز بودیم. ازامرآرام و در دهه۹۰ این روبه‌نقصان رفت تاماهمچنان سریال‌های طنز تلویزیون جزیر بیننده‌های سالیانه این سازمان بودند؛ سریال‌هایی که با تکیه‌بر شخصیت‌های جذاب با سوار بر یک قصه دوست‌داشتنی و با انعکاس زندگی عادی مردم از پس رضایت مخاطبان برمی‌آمدند و اصطلاحا خیابان خلوت کن بودند. مخاطب تلویزیون به دهات و با ثبت واکنش‌های مثبت و منفی ازطریق راه‌های مختلف نشان داده که از تلویزیون چه می‌خواهد و چه چیزهایی را بیشتر می‌بیند. زمانی مرحوم منوچهر نوذری می‌گفت که خندانیدن مردم ایران سخت است، چون هرکدام‌مان با کمدی و طنز آشنا هستند و نمی‌توان سرخان کلاه گذاشت. باناگاهی به کارنامه چهره‌های اخیر تلویزیون معلوم می‌شود که چه کسانی و چه سریال‌هایی توانسته‌اند این کار سخت را به بهترین شکل ممکن انجام دهند و مرور این آثار هم برای مدیران تلویزیون و هم برای سازندگان سریال‌ها خالی از لطف و فایده نیست.

«پایتخت» و جذابیت خروج از پایتخت

وقتی در سال ۸۹ سیروس مقدم و گروه بازیگران نه‌چندان مشهوری در آن زمان دردل ساخت سریال نوروزی سال ۹۰ بودند، کمتر کسی فکرش را می‌کرد که سریال «پایتخت» به سری ششم برسد و تبدیل به یکی از سام‌سریال محبوب و پربیننده تاریخ تلویزیون بشود. وقتی در نوروز ۹۰ این سریال پخش شد، نه چهره مشهوری داشت و نه پرهزینه بود. مردمی که از دیدن سریال‌های آپارتمانی شبیه‌هم خسته شده بودند، شیفته صمیمیت و سادگی شخصیت‌های این سریال، فضه سرراست و ساده آن و فضای تازه خارج از تهران آن شدند واین شیفتگی کار را به پایتخت۲ رساند. البته بعدها سریال «نون خ» هم چنین راهی را رفت و جالب اینکه آن تجربه هم موفقیت‌آمیز بود. پایتخت نشان داد بدون سانسر نیتی

پاورچین

اوایل دهه ۸۰، مخاطبان تلویزیون سریالی را از شبکه ۵ دیدند که آن زمان برای خودش تریبالی داشت و بعدها پایه ساختن سریال بزرگتری شد. شبکه ۵ سریال‌های ایرانی و خارجی جذابی پخش می‌کرد و مهران مدیری با کمک جواد رضویان و سیامک انصاری و سحر زکریا و شقایق دهقان ترکیبی را ساخته‌اند که بعدها اتفاق بزرگتری را رقم زدند، اما خود پاورچین بیش از آنچه تصور می‌شد، دیده شد. داستان ساده و دوست‌پسر عمو به نام فرهاد و داود که از بالا و پایین به‌سر به تهران آمده بودند و زندگی کارمندی‌شان داستان‌های دیدنی و باتمکی را رقم می‌زد. برای اولین‌بار در این سریال از یک روستای تخیلی به نام بزه روضه‌می شد و شیوه‌های پیشرفت و رشد در آدم‌ها نیز مورد نقد قرار گرفته بود. هنوز مدیری درباره الگوی

شب‌های برره

سام‌ال پس از موفقیت پاورچین، روستای برره جان گسترش یافت که خودش را به شبکه ۳ رساند و به‌نمایی تبدیل به یک سریال پربیننده و ماندگار شد. پیش از انقلاب هم یک روستا بسیار روایت فیلم یا سریال شده بود، اما این‌بار موتور و گستره‌تر شاهد یک روستای فرضی بودیم و چنان تاثیرگذار بود که هنوز هم بسیاری از دیالوگ‌ها و اصطلاحاتش استفاده می‌شود، به‌طوری که وارد حوزه زبان عامیانه مردم شده و تا هنوز هم باقی مانده است. اگرچه همان زمان هم گسست‌ها، تاثیرات منفی روی زبان و حتی رفتار برخی دانش‌آموزان اغراق‌آمیز شد، اما گروهی دیگر در تلاش‌اند رفتار برره‌ای را بسازند که هرکدام هم قسمتی از کامل نویسنده‌ومرکدام‌ها دیالوگ‌نویسی می‌کردیم و دراصل همه‌قسمت‌ها و همه‌بخش‌ها را باهم‌نوشتیم. فقط در بخش دیالوگ‌نویسی این طور بود که یک‌جی درمیان نوشته‌ایم یا بستگی به این داشت که قرعه‌چطور به نام ما می‌افتاد.

بزنگاه

دیدن عریان لایه‌های زیرین زندگی مردم طبقه متوسط رو به پایین و حاشیه‌نشین شهرها، دیدن دلسوزی‌ها و همدلی‌ها و البته کشمکش‌ها و گاه دوستان با فقر یا طبقه اجتماعی‌شان خوش می‌کند و لایی ندارند از اینکه با زیر پیراهنی و پیژامه جلوی دوربین نشان داده شوند. کارهای عطاران را می‌توان نقطه مقابل سریال‌های مدیری دانست؛ عطاران شاید بتواند با یک دستمالی و یک طلی صادقی یک قسمت از سریال را بسازد و سی نمی‌کند یک تصویر شیک و زیبا به بیننده تحویل دهد. نشان دادن عمق زندگی آدم‌ها و رابطه‌های آنها برایش مهم‌تر است و به‌خوبی هم از پس برمی‌آید و لحظه‌هم مساله‌هم دیگر عطاران است. این سبک از سازی برای ما بعدها مجید صالحی در «سه در چهار» تکرار کرد و موردتوجه

لیسانسه‌ها

سروش صحت پس از تجربه ناموفق «چارخونه» و یک الیر جنجالی مانند «ساختمان پزشکان» و همچنین سریال موفق و پرمخاطب «پرمان» کم‌کم به زبان و صدای خودش رسید و توانست اعضای اصلی خودش را پای کارهایش ثبت کند. سریال‌های سروش صحت شبیه به کارهای مدیری و عطاران نبودند و حتی رگه‌هایی از روشنفکری را هم با خود داشتند. خانواده‌های سریال‌های صحت نه‌صرفا از طبقه متوسط و رو به پایین جامعه بودند و نه مطلقا از طبقات مرفه. موقعیت‌های طنز و کمیک بیشتر از دیالوگ‌ها در سریال‌های صحت می‌خندانند و تاثیر دارند. خبری از شوخی‌های جنسی و افتادن بازیگرها و خندیدن به‌خود نیست. «شمعدونی» به‌وجود حاشیه‌هایی که داشت، اما مدل قابل‌قبولی از تصویر یک خانواده و ارتباطات آنها بود. این مسیر و نگاه صحت در فصل‌های مختلف «لیسانسه‌ها» به اوج